

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۵

بررسی برخی ویژگی‌های تأثیرگذار «پله پله تا ملاقات خدا» (ص ۴۰۴ - ۳۹۱)

محمدرضا شعبانی^۱
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۲۱
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۱۰/۱۹

چکیده:

در این مقاله به بررسی ویژگی‌های سبکی یکی از آثار عبدالحسین زرّین‌کوب پرداخته شده و اینکه ویژگی عمومی سبک نوشتاری کلیه آثار استاد، نثری هنری - تحقیقی است و در مجموع نثری منحصر بفرد. اما برخی خصوصیات دیگری در این اثر است، که تنها به دلیل قالب رمان گونه‌ای بودن آن و دیگر بحث «مخاطبان عادی» کتاب، سبب گشته اثر یاد شده، به علی که ذیلاً در این مقاله طرح و بررسی شده است، از دیگر آثار استاد ممتاز گشته و بدین وسیله اثر را نزد تمام طبقات مختلف خوانندگان اعم از «افراد عادی» و غیر آن بویژه استادان ادب فارسی و دانشگاهیان مقبول واقع گردانیده و با اقبال چشمگیری مواجه گشته است.

کلمات کلیدی:

زرّین کوب، پله پله تا ملاقات خدا، نثر شیوا و هنری، سبک نوشتاری.

۱ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی sowrsman@yahoo.com

مقدمه:

پله پله تا ملاقات خدا اثر گرانقدر استاد عبدالحسین زرّین کوب برای نخستین بار در سال ۱۳۷۰ از سوی انتشارات علمی (سخن) به چاپ رسید، زمینه اصلی تحقیقات استاد در موضوعات گونه‌گون و متفاوتی از قبیل زبان و ادب فارسی، تاریخ، فلسفه و کلام، عرفان و تصوّف، نقد ادبی و نقادی اشخاص بزرگ فرهنگی و ادبی است. از این میان توجه خاص استاد به مقوله شناخت انتقادی مولوی و احوال و آثار او به ویژه مثنوی، خود مقوله‌ای مستقل و جدّی است که بخشی از اوقات تحقیقاتی استاد در چنین فضایی سپری شده است. استاد با مولوی و مثنوی و آثار او بیش از پنجاه سال انس دیرینه داشته است. (سرباز علم، سرباز فرهنگ: حق‌شناس ص ۱۴۶) پرداختن به مولوی در سطحی فراگیر آنها را با مطالعه همه جانبه آثار قدیم و جدید، البته نیازمند حوصله‌ای نه در خور هر نویسنده و محققی است. اما استاد زرّین کوب به دلیل علاقه شخصی و حرفه‌ای به این عارف شاعر ایرانی و جهانی و همچنین به علت نوع مسلک اخلاقی ایشان به مولانا خود انگیزه‌ای جدّی و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تألیف و تحقیق در این باره بوده است.

بی‌هیچ تردیدی یکی از بهترین آثار به نگارش درآمده در خصوص مولانا در تاریخ ادب معاصر ایران همین «پله پله تا ملاقات خدا» است، که به‌خامه توانای استاد بی‌بدیل زرّین کوب است و الحق گزاف نیست اگر گفته شود هیچ محققی بدون مطالعه این اثر در باب مولوی قادر نخواهد بود به یک نظریه کاملی درباره این عارف شاعر آنها به شکل منطقی و انسجام یافته دست یابد.

انگیزه نگارش پله پله تا ملاقات خدا:

چنانچه از مقدمه کتاب بر می‌آید استاد برای نخستین بار کتابی در سطح خاص آنها برای خوانندگان کاملاً حرفه‌ای به نگارش درنیاورده است بلکه آن را برای تمامی طبقات علاقمند به مولوی تألیف نموده و گرچه روح نگارشی و طرز نویسندگی استاد همواره نظیر دیگر آثار ایشان است با این وجود استاد نگارش محتوایی کتاب را به گونه‌ای به تألیف درآورده، که خواننده غیر حرفه‌ای هم بدون مراجعه به مآخذ خاص و احتمالاً دست نیافتنی بتواند با یکبار خواندن آن، به زندگی شاعرانه مولانا اطلاع حاصل نماید و این امتیاز خاص دیگر این اثر است. خواستاری یک دو نفر از خوانندگان آثار استاد، طی نگارش نامه‌هایی به ایشان بدون آن که استاد آنان را دیده و شناخته باشند، منجر به تألیف این اثر گرانبمایه گردید. خاصه علاقه استاد به مولانا

– چنانچه پیش از این گفته شد – خود دیگر علت این نگارش بوده است و عاملی جهت همنوایی با خوانندگان فراوان و علاقمندان بسیاری از آثار استاد که این بار مایل بودند کتابی نگاشته شود، که در حوصله تمام خوانندگان قرار گیرد. استاد درین باره در مقدمه کتاب چنین آورده اند: «این برای آن است، که در اینجا بیشتر خواسته ایم به آنچه خواننده «عادی» از من توقع دارد جواب مساعد داده باشم.» (پله پله تا ملاقات خدا، زرین کوب: ص ۱۰) سپس در چند صفحه بعد چنین آمده است: «غیر عادی هم که مطالب مأخذ و سند قابل اعتماد است شاید چنین کاری را چندان سودمند نیابد اما این نوشته برای خواننده «عادی» است و این همان شیوه یی است، که بارها کسانی از این گونه خوانندگان آن را از من مطالبه کرده اند.» (پله پله تا ملاقات خدا، زرین کوب: ص ۱۲).

موارد و منابع مورد تحقیق نگارش کتاب:

استاد زرین کوب از کهنترین مأخذ برای نگارش کتاب خود سود جسته و موشکافه جریان زندگی مولانا را از لابلای منابع دست اول استخراج کرده اند و با قوه نقادی که خاص ذهن وقاد ایشان است آنها را با روحیه ای علمی و در عین حال جذب شده در شخصیت مولانا جهت دستیابی به تصویر این عارف شاعر سراسر تاریخ ایران و جهان، زندگی و احوال مولانا را کاویده و با نثری پویا و جالب به رشته تحریر درآورده، تا آنجا که اثر نامبرده پس از اتمام بارها و بارها به چاپ رسیده و خود اثری جالب و خواندنی از سوی تمام ایرانیان علاقمند به آثار مولانا شده است. اثر نامبرده در واقع در ردیف یکی از بهترین و بزرگترین آثار مولاناشناسی در سطح جهان شناخته شده و الحق نمونه یک نوع ادبی خاص داستانپردازی بویژه نگارش زندگی مولانا در ارتباط با کسانی نظیر بهاء‌ولد و سید برهان محقق ترمذی، خاصه شمس تبریزی و دیگران پس از او، چون حسام الدین چلبی، به شکل زمانی گیرا و جذاب درآمده است. این قول یک محقق است که پله پله را «زندگینامه ای داستانونه» و خواندنی از «سوانح حیات مولانا» دانسته است. به نظر این نویسنده مزبور کتاب بر اساس رویکرد روانشناختی، حیات مولانا را بر رسیده و سرانجام بدین نتیجه رسیده است که براستی میتوان از این کتاب فیلنامه شایسته ای نوشت. (مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب، دین لوئیس: ص ۷۲۳) بنظر دین لوئیس، نویسنده کتاب پله پله به شکلی خاص مطالب افسانه وار را داخل در زندگی مولانا کرده است. لوئیس به این نتیجه رسیده که «نمیتوان همیشه مطالب افسانه وار یا ابزار نظرهای محض را از مطالب واقعی آن تمیز داد، هنوز هم

جای سرگذشت نامه‌ای قاطع از زندگی مولانا خالی است. «(مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب، دین لوئیس: ص ۷۲۳) طبق اظهار نظر استاد زرین کوب در مقدمه کتاب (پله پله تا ملاقات خدا، زرین کوب: ص ۹) و همچنین در متن آن (پله پله تا ملاقات خدا: ص ۳۴۱) اصلاً زندگی و سوانح حیات او به نوعی شعرگونه بوده و ایشان به دو گونه شعر در باب مولانا معتقد بوده اند یکی اشعار سروده مولانا و دیگری زندگی خود او که جز یک شعر نبود و به نظر استاد «شعری بود که مولانا آن را نسرود، آن را ورزید، تحقق داد و به پایان برد.» (پله پله تا ملاقات خدا، زرین کوب: ص ۹) پس خواه ناخواه، اگر قرار بود کتابی در خصوص سوانح حیات و احوال مولانا نگاشته شود بیگمان بهتر از آنچه استاد در پله پله به رشته تحریر درآورده است نمیتوان کتابی سراغ گرفت این سخن نه به خاطر آنکه اساساً در باب بزرگداشت استاد گفته میشود ذکر شده، بلکه بدین خاطر است، که اصولاً زندگی مولانا تنها در همین شکل است، که تصویری آمیخته با شعر و تاریخ، افسانه و واقعیت از خلال مآخذ درجه یک و نزدیک به عصر شاعر ماست، می‌طلبیده است و اگر جز این باشد، البته تصویری بیروح و مصنوعی از مولانا در خواهد آمد. بنابراین سخن دین لوئیس D.Lewis در این باب مقرون به صواب نبوده و نویسنده بیراهه سخن رانده است.

نثر کتاب و هنر بلاغی آن:

یک ویژگی شاخص آثار استاد، نثر زیبا و گیرا و پر جاذبه ایشان است. این خصیصه البته در این کتاب هم کاملاً مشهود است. در حقیقت نثر استاد، چیزی منحصر به خود ایشان است نثری است، که شباهتی به نثرهای دیگر استادان و دانشگامیان ادب ندارد، نثری شیوا - هنری و کاملاً تحقیقی است با ظرافت های آن، که در مطاوی این گفتار به برخی از ویژگی های آن ظرایف اشاره ای خواهد شد، نثری است بر پایه سنتهای نثرنویسی پیش از استاد کسانی که نثرشان ادامه رو نثرنویسان شیوا نگار عهد پس از مشروطه است یعنی نثر محمد علی فروغی، دهخدا، سعید نفیسی و غیره. با این وجود نثر استاد چیز دیگری است نثری است بمراتب بهتر و شیواتر از پیشینیان خود است. میتوان گفت هنر بلاغت Rhetoric در این نثر بی آنکه متن را برای خواننده عادی خسته کننده و دشوار جلوه دهد، همان اثری را ایجاد نموده، که یک سخنران خطیب و ماهر با توجه به حال و هوای مجلس و در نظر گرفتن سطح فهم و درک مخاطبان به سخنوری میپردازد و در ضمن آن که خواننده حرفه‌ای هم از این کتاب احساس لذت هم میبرد و از خواندنش مشعوف میگردد.

آنچه یکی از استادان در باب بلاغت گفته است؛ اینکه بلاغت در حقیقت سخن مؤثر است در اینجا به شکلی عالی رعایت شده است. باری به نظر این استاد « اثر ادبی را در درجه اول، اثری میداند که بر خواننده تأثیر میگذارد. این تأثیر یا لذت بخشیدن است و جنبه زیبایی شناسانه دارد یا آموزش و تعلیم است ... » (معانی، شمیسا: ص ۱۳ و ۲۲) و اینکه استاد زرین کوب با آشنایی کامل با زندگی، احوال و سوانح حیات مولانا (چه گفتن) را با مهارتی بی نظیر و زیباشناسانه (چگونه گفتن) ترکیب کرده همان در یافتن راز بلاغت این کتاب است. (معانی، شمیسا: ص ۳۵) در واقع همین اثربخشی است، که کتاب را بسیار زود در نظر خوانندگان کتابی گیرا، فریبا و خواندنی و بسیار آموزنده ساخت و خیلی زود به چاپهای بعدی کشاند. سال ۱۳۷۰ اولین چاپ کتاب بود. اما در چهار سال بعد به چاپ هشتم رسید و سیزدهمین چاپ آن در ۱۳۷۸ انتشار یافت. (مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب، دین لوئیس: ص ۷۲۳).

برخی شگردهای بلاغی نثر پله پله تا ملاقات خدا

۱- مقایسه

«مقایسه» Comparison جلوه بارزی در لابلای نثر توصیفی و هنری استاد در کتاب مذکور دارد بی شک مقایسه باعث ملموستر شدن هر چه بیشتر یک موضوع عالی و انتزاعی است و در این کار استاد بخوبی و بجا (رعایت حال و مقام) این طرز را در نثر پویای خویش رعایت کرده است.

اما از دیگر شگردهای تأثیربخشی و سبکی کتاب نامبرده، ارتباط تنگاتنگ موضوعی کتاب با وقایع و حوادث تاریخی است. این خصیصه، نوشته را به طرز بارزی در نظر و ذهن خواننده علاوه بر جذابی و گیرایی هر چه تمامتر، محکم کرده و باعث پذیرش کامل موضوع اثر شده و خواننده با اطمینان کاملتری تمام هوش و حواس خود را به نویسنده داده و خود را بتمامه تسلیم گفته ها و نوشته های او میسازد. آنچه این مسأله را بیشتر پشتیبانی میکند، البته چیزی جز تسلط استاد زرین کوب بر موضوع نگاشته شده و نثر ایشان نیست. احاطه بر موضوع و جذب در محتویات زندگی مولانا، نوشته را در نظر هر خواننده ای، البته دو چندان کرده و در راستای مطالعه کتاب، جذب کامل اثر شده و ماجرا را دنبال مینماید.

۲- تکرار، تأکید و بدل

شگرد دیگر اثربخشی کتاب بر روی ذهن و زبان خواننده، بی هیچ شکی، موضوع «تکرار» doublet (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۸۳ و ۸۴، واژگان اصطلاحات

ادبی، حسینی : ص ۴۳) یا palilogy و germination است، اصلاً «تکرار» یک ویژگی سبکی کتاب است. این خصیصه به خواننده امکان میدهد، تا در باب آنچه بیان میشود قدری بیشتر تأمل نماید و این تأمل البته کار دیگری کرده و آن چون میخی کمکی است، که برای مستحکمتر ساختن آنچه قرار است بر دیوار ذهن نصب شود، کمک شایانی نموده و موضوع را با تثبیت افزونتری در ذهن خواننده حک میکند. این تکرار سرانجام در دلاویزی نثر مؤثر بوده و تأکید emphasis را محسّس‌تر میکند «تکرار» البته در این کتاب به گونه‌های مختلف جلوه‌گری کرده، مثلاً یک موضوع به دفعات بسیار و مؤکّدی در سراسر کتاب تکرار شده است. این تکرار جز تأکید در ذهن خواننده و مهم جلوه دادن موضوع ممکن است به زیبایی نثر کمک وافری نماید. اما تکرار تنها به این مقوله منحصر نگشته، بلکه شکل دیگر آن از نظر دستوریان، همانا بکارگیری «بدل» apposition است و در اینجا بدلهای تفسیری و تأکیدی نقش بارزی ایفا کرده و خود بر زیبایی و گیرایی کتاب افزوده است؛ نظیر: «شمس از قونیّه رفته بود، به جایی نامعلوم سفر کرده و این خبر که دهان بدهان در بین مریدان مولانا نقش شد در آنها احساس رهایی از یک کابوس، «از یک گرفتاری» و «از یک رؤیای مخوف» به وجود آورد.» (پله پله تا ملاقات خدا: ص ۱۲۷) در اینجا گیومه‌ها همگی بدل تأکیدی و تفسیری از گروه اسمی «احساس رهایی از یک کابوس» است. از این موارد در کتاب به فراوانی به چشم می‌خورد شاید یک دلیلش در نظر گرفتن مخاطب خواننده عادی و دیگر، زمینه‌مانگونه آن است، تا خواننده در فضای بازتری موضوع را ادراک و دنبال نماید. (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ج ۲: ۳۹۹ تا ۴۱۲).

عنوانهای مختصر

خصیصه دیگر و امتیاز کتاب «عنوانهای مختصر و بسیار جالب و گیرا» در سر فصل هر یک از بخشهاست، که گویای تمام محتویات آتی آن نوشته خواهد بود، گرچه تا تمام فصل هیچ عنوان خاصی دیده نمیشود و ممکن است برخی اذهان ایراد کرده، که چرا عنوانهای فرعی جهت بهتر شدن و تسهیل در مطالعه اثر در لابلای فصول به چشم نمی‌خورد، تا بدین وسیله از خستگی جلوگیری گردد، اما این ایراد البته با دادن شماره‌هایی در فصول کاملاً برطرف گشته و هر از گاهی خواننده براحتی میتواند توقّفی در این شماره‌ها کرده، نهایت آنکه کاش این شماره‌ها خود عنوانبندی میشد. با این وجود، نداشتن عناوین فرعی و تشخیص خواننده برای دریافتن آنها تمامی ماجرا را

یکدست کرده و همگی را پشت سر هم آوردن بی شک نشان آن است، که خواننده باید همه آنها را پشت سر هم دنبال کند و همه داستان را همانگونه در یک خط، در یک راستا و در یک شکل کلی بنگرد در حقیقت «تکرارها» همگی جلوی این عناوین فرعی را میگیرد. عنوانهای کتاب جز مقدمه که نشان از طرح کلی و انگیزه نگارش کتاب است، در ده فصل باختصار و زیبایی ترسیم شده است. بی شک مقدمه کتابهای استاد، دربرگیرنده نکات اساسی و کلیدی مهمی در فهم بهتر تمام کتاب است و این میسر نخواهد شد، مگر در بازبینی دقیق این مقدمه‌های چند صفحه‌ای اندک و بظاهر کم صفحه‌ای. اساساً مقدمه کتابهای استاد، موضوعی جداگانه است، که بایست در هر کتاب ایشان مستقلاً مورد بررسی قرار گیرد.

۳- اطناب یا ترک ایجاز

خصیصه دیگر کتاب، گرایش به اطناب یا ترک ایجاز است. این مشخصه همواره ذهن خواننده را برای حفظ و به خاطر سپردن مطالب کتاب کمک مینماید. در فن معانی یک فایده اطناب «تکمیل» است و «تحقیق و توضیح» از دیگر فواید آن و بحث «تکرار جمله» در این مقوله میگنجد. (نقد معانی، آهنی: ۱۷۷ - ۱۷۹)

معمولاً اگر خواننده عادی ملاک عمل باشد «اطناب» بهترین طریق بیان مطالب برای افراد خالی‌الذهن است و به نظر یکی از استادان «باید توجه داشت، که اطناب در ادبیات ناپسند نیست، زیرا مطالب ادبی که عمدتاً بیان عواطف و احساسات از قبیل عشق و نفرت و مرگ و زندگی... است خودبخود شیرین و دلپسند و مؤثر است، تا چه رسد به اینکه با زبانی ادبی و بیانی هنرمندانه ایراد گردد.» (معانی، شمیسا: ص ۱۴۶) با این وجود کتاب مورد اقبال بسیاری حتی از سوی طبقات دانشگاهی و تحصیلکرده جامعه قرار گرفت.

۴- نگرش انتقادی در تمام اثر

امتیاز دیگر کتاب که ویژگی سبک کلی کتاب است داشتن روحیه انتقادی است گرچه استاد، به تواضع چنین موضوعی را مطرح نساخته با این وجود، در جای جای این اثر - همچون دیگر آثار ایشان - روح انتقاد موج میزند، اما نکته گفتنی اینکه انتقاد چنان در این کتاب به شکل طبیعی رسوخ نموده که «خواننده عادی» چنین چیزی را احساس نکرده و تنها دنبال ماجرای داستان تا پایان کتاب است.

استاد موبمو و جابجا، همه جا رد مولانا را از محیط زندگی وی از کودکی از پدر و از شاگرد پدر مولانا - سید برهان ترمذی - هر جا و همه جا سراغ می‌گرفت. بدین ترتیب مولانا در نظر استاد، قرار بود به پیگیری مداوم خط سیر زندگی و سوانح حیات و احوال وی جستجو شود. ذکر جزئیات احوال پدر مولانا - بهاء ولد - در ترسیم و تشکیل شخصیت بعدی و متکامل شده مولانا، البته امری بایسته و ضروری مینمود و به نظر یک محقق آلمانی فریتس مایر F.Meier اغلب بهاء ولد را از طریق مولانا شناسایی میکنند؛ حال آنکه بررسی احوال و معارف دینی و فکری بهاء ولد در شناسایی مولانا بسیار حائز اهمیت است و به نظر مایر Meier «بهاء ولد تاکنون کاملاً در سایه پسر مشهورش مولانا قرار گرفته بود.» (بهاء ولد والد مولانا جلال الدین، مایر: ص ۲۸) در این کتاب استاد زرّین کوب جابجا، احوال بهاء ولد را از همان معارف او و منابع دست اول عصر مولانا استخراج و بررسی نموده است و سالها پیش از تألیف و نشر اثر مایر ایشان بهاء ولد را بدرستی هر چه تمامتر با ایجازی عالی در پله پله تا ملاقات خدا در همان فصول آغازین اثر، بر رسیده‌اند. نظیر آنچه در زیر می‌آید البته جالب و گیراست:

«در تمام بلادی که او (بهاء ولد) برای وعظ سفر میکرد از بلخ تا ترمذ و از خوش تا سمرقند و خوارزم هر جا قاضی قدرتجویی یا حاکم مستبدی بود مقدم او را با ناخرسندی تلقی میکرد در تحقیر و ایدای او میکوشید و برای او و مریدانش مایه رنج و آزار میشد. قاضی خوش عنوان سلطان العلمایی وی را از محضرها و فتواها محو میکرد، فقیه بلخ مریدان خود را از ایذا و تحقیر وی وامیداشت در ترمذ قدرت بلامنازع خاندان حاکم مریدان او را بشدت محدود میکرد...» (پله پله تا ملاقات خدا: ۲۲ و ۲۳)

۵- جناس pun

دیگر خصیصه سبکی کتاب وجود «جناس» pun و paronomasia بویژه جناس زاید آنهم به شکل طبیعی و غیر محسوس گاه در نوشته استاد سبب ظرافت خاصی در نثر کتاب به وجود می‌آورد. نظیر عبارت: «آموخته بود روزهای طولانی با روزه های طولانی سر کند.» (همان: ص ۲۷ برای دیدن موارد دیگر، ۱۰۳ و ۱۴۰ بنگرید)

۶- رویکرد تاریخی استاد به زندگی مولانا

میدانیم استاد زرّین کوب، مورخ است. بنابراین هیچ کتابی را بدون ملاحظات تاریخی نمی‌نگاشته است. بی‌شک علاقه ایشان به تاریخ و هر آنچه مربوط بدانست از

همان اوان کودکی بنا بر اظهار نظر شخصی خود استاد در کتاب «نقش بر آب» (نقش بر آب، زرین کوب: ص ۶۱ و ۶۲) باعث میشد در بررسی احوال کسانی که درباره شان به تحقیق میپرداخت همواره ملاحظات تاریخی را ملحوظ نظر داشته، استاد در این کتاب، زندگی فکری مولانا و سوانح حیات او را با رویکرد تاریخی به شکلی طبیعی چنان دنبال کرده، که خواننده چندان فضای تاریخی را حس نکرده و سنگینی آن را لمس نمیکند، آنچه نوشته را جذابیت دوچندان میبخشد همین چاشنی تاریخی در ماجرای داستانی کتاب است.

۷- آغاز زیبا و حسن ختام این بخش

ویژگی سبک‌شناختی دیگر کتاب، شروع زیبا و پایان دل‌انگیز هر فصل نوشته کتاب است. گرچه این ویژگی تمام کتابهای استادست با اینحال این مشخصه سبکی، اثر را جذابتر کرده و برای «خواننده عادی» یک امتیاز و یک حسن کتاب محسوب است. در واقع پایان هر بخش کتاب، بخوبی و مناسبتی ظریف از آنچه مرتبط با بخش آتی کتابست متصل و مربوط میشد و این ویژگی نهفته دیگر کتابست نظیر بخش «طلوع شمس». (پله پله تا ملاقات خدا، زرین کوب: ص ۱۰۳ به بعد)

۸- توجه به مناظر طبیعی و جغرافیایی

ارزش نهفته دیگر این اثر، مرهون توجه خاص نویسنده آن به توصیف مناظر طبیعی، جغرافیایی و خاصه مناظر تاریخی، گیرایی و جاذبه‌ای شورانگیز برای خواننده فهمیم ایجاد نموده؛ نظیر عبارت: «دمشق در این ایام هنوز بهشت دنیای شرق یا به قول سیاحان عصر، بهشت روی زمین محسوب میشد. «غوطه» آن که شامل بستانهای به هم پیوسته و درختستانهای مجاورش بود و بلندی که «ربوه» خواننده میشد بر آن مشرف بود از کران تا به کران شهر را در سبزی و خرمی احاطه میکرد. جامع شهر که بر جای یک کلیسای بزرگ بیزانسی بنا شده بود در شکل موجود خود یک معجزه هنر معماری به شمار می‌آمد. چیزی که آن را در نظر مسافر طالب علم جالبتر جلوه میداد، حلقه‌های متعدد درس و بحث بود که در صحن و زوایای مختلف آن دایر میشد. در جمع این حلقه‌ها درس قرآن، درس تفسیر، مجلس املائی حدیث و هرگونه بحثی که در باب نحو و بلاغت و ادب و شعر بود مطرح میشد هر کس را در اطراف این حلقه‌ها میگشت غالباً جلب میکرد.» (همان: ص ۹۰)

و ۷۷ تا ۴۵)، اساساً نیمهٔ اول کتاب مشحون از این موارد است منتهی همراه با تمامی ویژگیهای گفته شده که خود مختصهٔ سبکی این کتاب است . کتاب حاوی نکات ظریف و نکته سنجانهٔ بسیاری است ، که دریافتن آن ظرایف البته موضوعی است مربوط به خوانندهٔ اثر ، گرچه برای مخاطب عادی نگاشته شده اما بی شک مانع از آن نیست ، که خواننده حرفه‌ای را به تأمل واندازد و او را به سؤالهای اساسی نکشاند . برای مثال تعبیر زیبا و نکته سنجانهٔ « درویش تاجر نما » (پله پله تا ملاقات خدا، زرّین کوب : ص ۱۰۶) نه آیا برای شمس بهترین عنوان و برای مولانا مناسبترین نسبت برای تجارت جان او از سوی شمس تبریزی است؟! بکارگیری چنین تعبیری ، بجز زیبایی ، نشان از به تفکر واداشتن خوانندگان از سوی نویسندهٔ دانشمند کتاب است و اینکه با این طرز نگارش ، خوانندهٔ کتاب در خلوت خود بهتر بتواند از آنچه خوانده ، تدبّر نموده و احیاناً به اندازهٔ سطح فهم خود ، به قضاوت و اندیشه وادار شود . این عمل در مجموع ، سهمیم کردن خواننده در فهم بیشتر کتابست.

۹- رویکرد واقع بینانه به زندگی مولانا

موضوع دیگر در باب امتیاز سبک شناسانهٔ کتاب ، آنکه استاد ، کتاب را بدون ذکر تفسیرهای مشکل و گاه خسته کننده و معمولاً بیفایده و برخی تحلیلهای دشواریاب ، مطرح ساخته و به تعبیر بهتر ، احوال مولانا را بسیار عینی تر و زمینی تر به خوانندگان خود ، عرضه کرده است و این به نظر ما یکی از بارزترین و جالبترین ویژگی سبکی کتاب محسوبست . اینکه اکثر شروح و تفاسیر آثار و احوال مولانا ، خاصه مثنوی ، را با تعابیر دشوار پیش کشیده اند شکی نیست که اغلب قدمای سنتی ما ، مایل بوده اند موضوع و داستان مثنوی را در حالت انتزاعی و کاملاً با مکاتب صوفیانه و گاه مدرّسی و به روش اصحاب مدرسه scholastic موافق سازند گرچه روش مذکور بتمامی بیفایده نبود ، اما بهر حال بازتاب واقعی حال و قال مولانا نبوده و نیست ، اما در این کتاب فی المثل بحث نی نامهٔ مثنوی ، بسیار عینی تر و واقعی، موافق با زندگی و مشرب زمینی مولانا که بسیار معنویتر از برخی عقیده‌های خشک و بیفایده و انتزاعیست ؛ بحث و پیگیری شده است ، خود امتیازی چشمگیر برای کتاب به وجود آورده است ، اگر کتاب به دفعات بسیار چاپ و نشر شده ، یک دلیلش همین موضوع عینی ساختن زندگانی مولانا و نزدیک کردن آن به زندگی امروزینهٔ ما انسانهاست .

۱۰- بکارگیری واژه‌های مناسب

ویژگی سبکی دیگر، انتخاب درست و بجای لغات متناسب با حال و هوای موضوعست. در این باره گاهی برخی کلمات را به گونه‌ای انتخاب کرده و آورده که ممکنست برای خواننده، ناآشنا جلوه کند آنهم خواننده عادی این اثر. نظیر اکدش ۹۶، حقور ۲۱۵، سال فرسود ۳۳۸، از هیچکس روی بر نمی‌گاشت ۱۲۳ و غیره. البته ذکر کلمات ناآشنا اصولاً در آثار استاد بطور کلی یک ویژگی عمومی اثر ایشان خاصه در آثار ادبی و هنری ایشان است. (جلوه‌های هنر در نثر زرین کوب، مهیار: ۲۲) این کار یک عامل زیبایی نثر ایشان محسوب میشود.

۱۰-۱- انتخاب واژه‌های با حال و هوای موضوع

اما انتخاب واژه‌های درست و متناسب با حال و هوای موضوع نظیر این کلمات و تعبیرست:

عام خلق ۳۵، ۳۶، ۶۵، ۹۹ و ۱۴۸؛ طالب علمان ۳۷، ۲۵، ۵۴، ۵۵، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۱؛ خوار داشت ۳۸؛ ستیهندگی ۳۷؛ شتاب آلود ۴۷.

۱۰-۲- واژه سازی پسوند «گونه»

استاد با پسوند «گونه» کلمات بسیار زیبا و دلکشی ساخته و در نثر خویش وارد ساخته است: عاصی گونه ۴۷، روحانی گونه ۵۶؛ عیارگونه ۶۷، بیمارگونه ۱۴۰، ۶۹ و ۷۰؛ وحشی گونه ۷۲، روستایی گونه ۹۹، ۱۱۶، ۱۷۴ و ۱۸۷؛ بازارگونه ۱۱۶، سینایی گونه ۱۱۶، گستاخ گونه ۱۲۴، پیام گونه ۱۳۱، ملامتی گونه ۱۵۵، امّی گونه ۱۸۵، شباهت نامه ۲۴۹، کرامات گونه ۲۷۰، دیالکتیک گونه ۲۷۶ و عامی گونه ۲۹۳.

نوشت و خواند ۵۸، بلاغت منبری ۶۰، زیاده از حد ۹۳، رؤسای عوام ۲۸، ۳۷، ۴۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۷۷، ۱۸۱، ۲۰۷، ۲۴۶، ۲۹۶، ۳۱۰ و ۳۱۱؛ ارباب عمایم ۹۹، خوارداشت ۱۲۵، اشتیاق رسمانه ۱۳۱، تعبناک ۱۳۷، جاه فرسود ۱۵۶، زمان فرسود ۲۴۳، سال فرسود ۳۳۸، دیرترک ۱۸۲، شورکنان ۱۹۳، اقلیم قرار و سکون ۱۹۵، سهل است ۲۲۴، ۲۹۴، ۳۰۳ عشق آمیز ۲۸۳ استاد بجای عشق گاه «غیرنگری» را آورده است ۲۷۲، ۲۷۳، دلنمودگی ۳۰۷، آشنارویی ۳۳۱، مردم

آمیزی ۹۸، ۱۳۵ و ۲۰۰، درویش تاجر نما ۱۰۶، غریبستان ۳۳۴، غریبستان عالم ۳۳۴ و دیرینه پای ۳۲.

در مجموع ویژگی کلی نثر این اثر جز هنری بودن و دل‌انگیزی جاذبه دار آن، از نظر تأثیر بر نثر پس از خود، البته سهم بسیاری در شکوفایی آن ایفا نموده است. این تأثیر پذیری در نثر دانشگاهیان و استادان یک نسل پس از استاد گاه بخوبی مشهود و هویداست.

۱۱- بکارگیری جمله‌های بلند

استاد در آوردن جمله‌های بلند مهارت خاصی داشته است و این یک شگرد نثر ایشان است. (جلوه‌های هنر در نثر زرین کوب، مهیار:ص ۲۱) بلندی جمله البته هیچ خللی به فهم جمله نمیرساند و از طرفی آسیبی در دقت ایشان در نثر کتاب وارد نساخته است. به عنوان مثال به این عبارت توجه نمائید:

«در این ایام نیز مثل گذشته‌های دور و نزدیک واعظان بر وفق رسم و سنتی دیرینه پای غالباً مجردوار و گاه به همراه خانواده خویش برای وعظ به شهرهای دور و نزدیک سفر میکردند. غالباً از جانب اکابر و اعیان این شهرها برای وعظ در ایام رمضان یا مراسم متبرک دیگر دعوت میشدند و گاه از پیش خود و برای کسب مال یا دفع ملال به این سفرها میرفتند.» (پله پله تا ملاقات خدا: ص ۳۲).

گرچه در عبارت آمده، سه فعل ذکر شده، اما اتمام معنا و مفهوم سخن تنها با فعل آخرین میسرست و این ویژگی کلی تمام آثار استاد محسوبست و در این اثر هم، چنین مواردی نسبتاً بسیارست.

۱۲- وجود نوعی از جمله‌های پرسشی و تأمل برانگیز

دیگر ویژگی سبکی نثر کتاب، آوردن بخصوصی از جمله‌های استفهامی خاصه پرسشهای تأکیدی و گاه شک آمیزست آنهم اغلب به شکل «نه آیا» این طرز بجز زیبایی خاصی که به نثر ایشان بخشیده است عمدتاً سبب به تأمل واداشتن خواننده میگردد، تا در آنچه به مطالعه نشسته، نزد خود به فکر و شک درافتد، و سرانجام روشنگری که ویژگی عمومی یک نوشته تحقیقی - ادبی و هنری است، در اینجا هم تحقق یابد. در این خصوص به عبارتهای زیر بنگرید:

«نه آیا در تمام آثارش که تا سالها بعد از ماجرای شمس در قالب غزلیات و مثنوی به وجود آمد، تأثیر شمس همه جا باقی بود؟» (همان:ص ۱۶۷ و ۱۶۸).

« به شهاب الدین قوَال که یک روز خر خود را بدان سبب که در حضور مولانا بانگ برآورده بود رنجانید ؛ اعتراض کرد که این زدن برای چیست ؟ بانگ او هم برای همان کامهاست ، که سایر خلق طالب آندند . نه آیا باید شکر کنی که باز تو راکبی و او مرکوب ؟ » (همان:ص ۳۲۴) برای دیدن مثالهای دیگر در این خصوص به صص ۸۵ ، ۹۲ ، ۱۶۸ ، ۲۶۵ ، ۲۶۷ ، ۲۹۴ ، ۳۰۶ و ۳۲۴ بنگرید . (جلوه‌های هنر در نشر زرین کوب، مهیار: ص ۲۲) .

نتیجه :

استاد زرین کوب از نویسندگان ، محققان و دانشمندان معاصر معروف ادب فارسی ، تاریخ و نقد ادبی است . نثر تمام کتابهای وی به طرز خاصی زیبا و دل انگیز بویژه منحصر بفردست اطلاعات وسیع ، مطالعات همه جانبه و جامع و احاطه به زبانهای مختلف و استفاده از آنها در تحقیقات خود ، سبب احاطه فوق العاده ای در باب هر آنچه به قلم درآورده ، نشان داده اند . کتاب پله پله تا ملاقات خدا ، جدای از آن که موضوع مورد علاقه وی بوده است در تقاضای برخی خوانندگان به رشته تحریر و نگارش درآمد .

به واقع اگر قرار باشد کتابی مخصوصاً در باب بزرگان و اشخاص ادبی و فرهنگی به نگارش درآید باید جدای از احاطه بر دانستن تمامی جوانب موضوع ، مخاطبان اثر را در نظر گرفته و آنچه در خود آن نوشته است ، توجه کافی داشته باشد .

در کتاب نامبرده ، به چنین مسائل مهم گفته شده ، اهمیت داده شده و تنها اثر استاد در تمام عمر علمی و تحقیقاتی پربار وی که توجهی خاص به «مخاطبان عادی» شده است همین کتاب پله پله تا ملاقات خداست .

کتاب ضمن حفظ روح انتقادی آن و داشتن شرایط درست تاریخی و نقادی صحیح، و نثر هنری و شیوای آن ، این بار آن را نزد تمام خوانندگان عادی اثری دلکش و جذاب نموده و بی تردید عاملی در علاقمندی خوانندگان به مطالعه دیگر آثار استادست، الحق آنچه در شأن شخصیت سترگ مولاناست در این کتاب بخوبی به تصویر کشیده شده و استاد زرین کوب پس از جذب و ذوب شدگی در منش این عارف شاعر ، اقدام به تألیف زندگی مولانا از دم حیات تا واپسین لحظات زندگی معنوی و شاعرانه مولانا نمود ، چه خوب است ، که نویسندگان آینده و نسل جوانتر طرز نگارش و سبک تألیفاتی استاد را برای خود الگو ساخته و از آن به چشم راهنمایی همه جانبه استفاده نمایند .

فهرست منابع:

- ۱- آهني ، غلامحسين (۱۳۳۹) ، نقد معاني ، اصفهان ، كتابفروشي تأييد اصفهان .
- ۲- حق شناس ، محمد جواد (۱۳۸۳) ، سرباز علم ، سرباز فرهنگ ، يادنامه عبدالحسين زرّين كوب ، شيراز ، انتشارات داستانسرا .
- ۳- حسيني ، صالح (۱۳۶۹) ، واژگان اصطلاحات ادبي ، تهران ، انتشارات نيلوفر .
- ۴- داد ، سيما (۱۳۷۱) ، فرهنگ اصطلاحات ادبي ، تهران ، انتشارات مرواريد .
- ۵- دين لوتيس ، فرانكلين (۱۳۸۴) ، مولانا ديروز تا امروز ، شرق تا غرب ، ترجمه حسن لاهوتي ، تهران ، نشر نامک .
- ۶- زرّين كوب ، عبدالحسين (۱۳۸۲) ، پله پله تا ملاقات خدا ، تهران ، انتشارات علمي .
- ۷- _____ (۱۳۷۹) ، نقش بر آب ، تهران ، انتشارات سخن .
- ۸- شميسا ، سيروس (۱۳۷۷) ، معاني ، تهران ، نشر ميتر .
- ۹- فرشيدورد ، خسرو (۱۳۷۸) ، درباره ادبيات و نقد ادبي ، ج ۲ ، تهران ، انتشارات اميركبير .
- ۱۰- ماير ، فريتس (۱۳۸۲) ، بهاء ولد والد مولانا جلال الدين ، ترجمه مهر آفاق بايبوردي ، تهران ، سروش .
- ۱۱- مهيار ، محمد (۱۳۷۶) ، مقاله جلوه هاي هنر در نثر زرّين كوب ، كتاب ماه ادبيات .